

فصلنامه لسان مبین (پژوهش ادب عربی)

(علمی - پژوهشی)

سال نهم، دوره جدید، شماره بیست و نهم، پاییز ۱۳۹۶، ص ۱-۲۲

تحلیل خطاهای حروف جر در نگارش عربی آموزان فارسی زبان*

علی پاپی، دانشجوی دکتری زبان عربی دانشگاه اصفهان

محمد خاقانی اصفهانی، استاد گروه زبان عربی دانشگاه اصفهان

چکیده

نظر به اهمیت آموزش زبان عربی در ایران، مقاله حاضر با روش توصیفی تحلیلی و بر مبنای زبانشناسی مقابله‌ای و نظریه تحلیل خطا، به بررسی و تحلیل خطاهای حروف جر در نوشتار دانشجویان زبان عربی در ایران پرداخته است. پس از تقسیم‌بندی خطاها بر اساس منشأ بروز، معلوم شد که شایع‌ترین خطاهای زبان آموزان به ترتیب مربوط به تداخل بین‌زبانی، درون‌زبانی و تداخل هردو زبان است و از میان خطاهای بین‌زبانی به‌کارگیری نادرست حرف «باء» به جای دیگر حروف جر (إلی، علی و فی) پربسامدترین خطاست؛ این امر نشان می‌دهد که حرف باء، به خاطر تشابه ظاهری آن در دو زبان عربی و فارسی، زبان آموز را به اشتباه می‌اندازد. همچنین در خطاهای درون‌زبانی بیشترین خطاها مربوط به استفاده از حروف جر دیگر، به‌ویژه إلی، علی و من، به جای حرف «لام» بوده، که نشان می‌دهد زبان آموز به دلیل تشخیص ناقص در کاربرد حروف مخصوص زبان عربی، دچار این خطا شده است. همچنین فزونی خطاهای بین‌زبانی بیانگر آن است که دانشجویان زبان عربی در به‌کارگیری حروف جر تا حد زیادی تحت تأثیر زبان فارسی هستند؛ درواقع آنها فارسی می‌اندیشند و عربی می‌نویسند؛ دلیل دیگر این‌که آموزش زبان عربی در ایران، برخلاف زبان انگلیسی، در سنین پایین چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد که (طبق نظر زبانشناسان) این امر احتمال تداخل بین‌زبانی را در سنین بالاتر بیشتر می‌کند. دلیل دیگر آن است که فارسی و عربی در دو خوشه زبانی متفاوت هستند. زبان عربی در خوشه سامی جای دارد اما فارسی و انگلیسی که هردو متعلق به خوشه هندواروپایی هستند.

کلمات کلیدی: تحلیل خطا، حروف جر، زبانشناسی مقابله‌ای، تداخل، زبان عربی.

* - تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۳/۲۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۰۸/۱۱

نشانی پست الکترونیکی (نویسنده مسؤل): m.khaqani@fagn.ui.ac.ir

۱. مقدمه

زبان عربی که از میان تمامی زبان‌های زنده بشری، به دلیل آراسته شدن به نام آخرین کتاب آسمانی، قرآن، از امتیاز ویژه‌ای بهره‌مند است، از دیرباز تاکنون مورد توجه زبان‌شناسان شرق و غرب بوده‌است. جامعه پارسی‌زبان نیز، به دلیل پیوند با آموزه‌های این کتاب آسمانی و همزیستی با ملت عرب، همواره در پی یادگیری این زبان و رهایی به راز و رمز آن بوده و هست؛ البته آموزش و فراگیری زبان عربی در ایران، از مدارس گرفته تا دانشگاه و آموزشگاه‌ها، با چالش‌ها و موانعی روبه‌روست و باوجود تلاش متولیان امر جهت تسهیل یادگیری این زبان، متأسفانه در مقایسه با سایر زبان‌های مهم دنیا، از جمله زبان انگلیسی، از استقبال کمتری در میان جوانان و نوجوانان برخوردار است.

زبان عربی هنوز جایگاه خود را به عنوان یک زبان رسمی جهانی و بلکه زبان رسمی دنیای اسلام در ایران پیدا نکرده‌است و سایه آموزش سنتی آن که اغلب در قالب قواعد دشوار در کتب قدیمی ادبی و متون دینی عرضه می‌شود، بر فضای علمی آموزش این زبان در کشور سنگینی می‌کند. از این رو، این پژوهش به دنبال پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

- میزان کمی و کیفی خطاهای دانشجویان در به‌کارگیری انواع «حروف جر» چگونه است؟
- چگونه می‌توان خطاهای دانشجویان را در به‌کارگیری «حروف جر» بر مبنای منشأ بروز (بینا‌زبانی، درون‌زبانی و مبهم) دسته‌بندی و تحلیل کرد؟

۱-۱ پیشینه پژوهش

همانطور که رشدی طعیمه در کتاب المهارات اللغویه مستویاتها تدریسها صعوباتها نیز اشاره کرده تاکنون درباره تحلیل خطا تحقیقات زیادی در حوزه آموزش زبان عربی به عنوان زبان دوم صورت گرفته‌است. تمرکز این تحقیقات روی خطاهای شایع بوده و نه خطاهای فردی؛ زیرا عوامل خطاهای شایع به‌راحتی قابل واکاوی و تحلیل است و از سوی دیگر، قابلیت این را دارند که شیوه‌های آموزشی براساس آنها شکل گیرد (۲۰۰۴: ۳۰۸). نمونه‌هایی از این تحقیقات بدین شرح است:

جمعی از اساتید دانشگاه ام‌القری در مقاله‌ای، با تحلیل نوشتار عربی آموزان کشورهای مختلف در سطح پیشرفته، به این نتیجه رسیده‌اند که بسیاری از خطاهای آنها به تداخل زبانی برمی‌گردد؛ زیرا بسیاری از عربی‌آموزان تفاوتی بین مذکر و مؤنث قائل نیستند. همچنین برخی خطاها از تداخل درون‌زبانی و برخی نیز از تداخل بینا‌زبانی نشأت می‌گیرد.

ابومغنم با بررسی تأثیر خطاهای صرفی دانشجویان کره‌ای زبان عربی‌آموز و آثار این خطاها بر سایر سطوح زبان (صوتی، نحوی، معنایی معجمی و املائی) به این نتیجه رسیده‌است که خطاهای صرفی تأثیر به‌سزایی بر سیستم زبانی زبان‌آموزان دارد. العجرمی و حسنی نیز با تحقیقی میدانی به این نتیجه رسیده‌اند که خطاهای بسیاری در لایه‌های زبانی اتفاق افتاده‌است و گاهی بر یک خطا، خطاهای دیگری نیز مترتب می‌شود؛ از جمله خطاهای صوتی، صرفی، ترکیبی، املائی و معنایی. اما پژوهشگران ایرانی در زمینه تحلیل خطاها در یادگیری زبان عربی، بر خلاف دیگر زبان‌ها، تحقیقات چندانی انجام نداده‌اند. برخی از مهم‌ترین آنها از این قرار است: جلایی با تکیه بر رویکرد تحلیل تقابلی و تحلیل خطا به بررسی خطاهای نگارشی دانشجویان زبان عربی مقطع کارشناسی پرداخته و دریافته که به ترتیب، خطاهای نحوی، دلالی، صرفی و املائی پربسامدترین خطاهای دانشجویان است، و عمدتاً تداخل درون‌زبانی علت بروز این خطاهاست.

وجه تمایز این جستار با تحقیقات مزبور در آن است که اغلب پژوهش‌ها در زمینه خطاهای عربی‌آموزان فارسی‌زبان از حیث مقوله‌های زبانی، موضوعاتی کلی است و عمدتاً تمامی خطاهای صرفی یا تمامی خطاهای نحوی یا صرفی و حتی معنایی و صوتی را در یک مقاله یا رساله گنجانده‌اند و انگهی از حیث مقوله‌های زبانشناسی آموزشی (مثل تداخل) آنها را بررسی کرده‌اند. در پژوهش‌های مزبور به برخی از خطاها در تحقیق اشاره شده‌است؛ اما در این پژوهش، تمامی خطاهای زبان‌آموزان در جملاتی کوتاه آورده شده و در جداول مربوطه همراه با ترجمه فارسی آن، توصیف و تصحیح و میزان تکرار آن مشخص شده‌است.

۲-۱ روش پژوهش، جامعه آماری و ابزار پژوهش

در این جستار، با بهره‌گیری از روش میدانی، متون نوشتاری بیست دانشجوی فارسی‌زبان عربی‌آموز با میانگین سنی بیست تا بیست‌وپنج سال در سطح متوسط از نظر خطاهای حروف جر بررسی و تحلیل شده‌است. این دانشجویان، براساس روش تصادفی ساده، از میان دانشجویان سال آخر کارشناسی رشته زبان و ادبیات عرب دانشگاه تهران انتخاب شده‌اند.

نمونه‌ها در این پژوهش به دو روش ترجمه و انشاء فراهم آمد؛ در روش ترجمه، حدود سی جمله تقریباً یک سطری که از حیث سادگی یا دشواری‌های دستوری با سطح زبان‌آموزان متناسب بود به آنان داده و درخواست شد در بازه زمانی یک‌ساعته، آنها را به زبان هدف برگردانند؛ جملاتی که به طرز معقولی زبان‌آموز را در زمینه حروف جر به تفکر یا چالش وادارد.

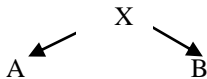
در روش ترجمه نیز، به تناسب سطح دانشجویان، از آنان خواسته شد حداقل ده خط در موضوع «کیف تقضی أوقات الفراغ؟» (اوقات فراغت را چگونه می‌گذرانی؟) انشاء بنویسند.

انتخاب این دو روش به موازات هم از آنجاست که خطاهای زبان‌آموزان در انشاء از آن جهت که انتخاب عبارات به دست خود آنان صورت می‌گیرد، تا حدودی با خطاهای آنها در ترجمه متفاوت است؛ در نوشتن انشاء برخی زبان‌آموزان برای مصون ماندن از اشتباهات احتمالی از درگیر شدن با عبارات دشوار خودداری می‌کنند به طوری که گاهی از سطح مورد مطالعه (متوسط) به حد پایین‌تری نزول می‌کنند و چه بسا جملات خالی از اشکالی نیز می‌نویسند.

۲. چارچوب نظری پژوهش

منظور از مقابله زبانی یا تحلیل مقابله‌ای انجام پژوهشی مقایسه‌ای بین دو زبان یا بیشتر است که در تألیف کتب و مواد آموزشی یا تدوین آزمون‌های زبانی مناسب و غیره به کار می‌آید. این رویکرد دنباله نهضتی پیشتاز است که روبرت لادو در کتاب *Across Cultures-Linguistics* آن را بنا نهاد. او در این کتاب شیوه‌ای را برای پژوهش‌های مقابله‌ای بین دو زبان ارائه و چگونگی به‌کارگیری آن را در آموزش یکی از آن زبان‌ها تبیین کرد. این اتفاق در دهه ۵۰ قرن بیستم اتفاق افتاد و شکلی عملی از اشکال استفاده از نتایج زبان‌شناسی در آموزش زبان‌ها بود. (طعیمه، ۲۰۰۴م: ۳۰۰)

زبان‌شناسی مقابله‌ای دو گونه اصلی دارد. مطالعات نظری؛ که به بررسی مفصل شباهت‌ها و اختلافات بین دو یا چند زبان می‌پردازد و یک الگوی مناسب از مقایسه آنها ارائه می‌دهد. زبان‌شناسان در گونه نظری به دنبال این نیستند که دسته‌بندی موجود در زبان a، در زبان b نیز وجود دارد یا نه. بلکه آنها دنبال تشخیص یک دسته‌بندی فراگیر در هر دو زبان a و b هستند. بنابراین زبان‌شناسی نظری، از a به b یا b به a حرکت نمی‌کند بلکه مانند شکل زیر جهت‌گیری از x به سمت a و b است. (کشاورز، ۲۰۱۱: ۶۵)



پس از نظریه تحلیل مقابله‌ای، نظریه «تحلیل خطا» مطرح شد. زبان‌شناسان امریکایی و اروپایی برآنند که زبان‌شناسی کاربردی، مخصوصاً نظریه تحلیل خطا، زاده تمدن نوظهور آنهاست. نیز مدعی‌اند که این نظریه در آخر دهه ۶۰ و آغاز دهه ۷۰ شکل گرفته‌است و بنیانگذار آن، کوردلر، دانشمند آمریکایی فرانسوی‌الاصل، بوده‌است (جاسم، بی‌تا: ۱۵۳). این نظریه در برابر نظریه تحلیل تقابلی که علت وقوع خطاها را تداخل و انتقال از زبان مادری به زبان هدف می

بیند، قد علم کرد. کورد و دیگران استدلالشان این بود که وقوع خطاها دلایل دیگری نیز دارد که در زبان هدف نهفته است و این دلایل، پیشرفتی هستند. مانند روش آموزش، تحصیل، عادات، رشد زبانی، طبیعت زبان مورد بحث، تعمیم (قواعد زبان هدف)، سهولت، اجتناب، پیش فرض‌های غلط و غیره. همهٔ اینها صرف نظر از وجود همانندی و تفاوت بین زبان مادری و زبان دوم، در بروز مشکلات زبان‌آموزان مؤثرند. طرفداران نظریه تحلیل خطا برآنند که «تنها از طریق تحلیل خطاها می‌توان به حقیقت مشکلاتی که زبان‌آموزان در جریان فراگیری زبان با آن روبرو می‌شوند، پی برد و با شناسایی میزان خطاها می‌توان به میزان دشواری مشکلات یا آسانی آنها دست یافت؛ بنابراین نیازی به تحلیل مقابله‌ای نداریم» (جاسم، بیتا: ۱۵۴). بنابراین زبان‌شناسی مقابله‌ای با هدف روان‌سازی مشکلات عملی که هنگام تلاقی چند زبان در ترجمه یا آموزش زبان رخ می‌دهد، به مقایسه بین دو زبان یا بیشتر از یک خوشه‌زبانی واحد یا خوشه‌های زبانی گوناگون می‌پردازد (راجعی، ۱۹۹۵: ۴۵). در تحقیق حاضر نیز که زبان عربی به عنوان زبان مقصد و موردِ آزمون، و زبان فارسی به‌عنوان زبان مادری جامعهٔ آماری مطرح است، این نکته را باید مد نظر داشت که این دو زبان از دو خوشه زبانی متفاوتند؛ زبان عربی از خوشه زبان‌های سامی و زبان فارسی از خوشه زبان هندواروپایی است و به عقیدهٔ زبان‌شناسان تفاوت ساختاری فاحشی بین این دو خوشه زبانی وجود دارد.

۱-۲ تعریف چند اصطلاح

خطاهای بین‌زبانی: به معنی انتقال منفی قواعد زبان اول به زبان دوم است. یعنی قواعد یک زبان به زبان دیگر تعمیم می‌یابد (نائینی و ابرقوئی، ۱۳۹۲: ۶). برای مثال اگر زبان‌آموز فارسی‌زبان، هنگام یادگیری زبان انگلیسی، بگوید: «I him see» معلوم می‌شود که این جمله ترجمهٔ تحت‌اللفظی «من او را می‌بینم» است (گنجی: ۱۳۹۰: ۱۱) چرا که جمله درست انگلیسی، «I see him» است.

خطاهای درون‌زبانی: وقتی که زبان‌آموز چیزی را از زبان هدف یاد می‌گیرد آن را به سایر مقوله‌ها نیز تعمیم می‌دهد. این زیاده‌روی در توجه به قواعد زبان هدف، هرچند که بیانگر جدا شدن تدریجی از زبان مادر است اما خطاهای بسیاری را ایجاد می‌کند و نظریه تحلیل خطا بر این مسأله تأکید دارد (گنجی و جلائی، ۱۳۹۰: ۵). این خطاها به دلیل وجود قواعدی است که نظیر آن در زبان مبدأ نیست. مثلاً دانشجوی عربی یا فارسی‌زبان، هنگام یادگیری زبان انگلیسی، برای این که به خطا نیفتد، به تمامی اعلام در زبان انگلیسی حرف The را می‌افزاید. (همو، ۱۴۳۰: ۱۲)

خطاهای مبهم: خطاهای مبهم خطاهایی هستند که بتوان آنها را در هر دو مقوله بین زبانی و درون‌زبانی جای داد و امکان تفکیک دقیق منشأ آنها وجود نداشته باشد (نائینی و ملکیان، ۱۳۹۳: ۳). برای مثال، زبان عربی‌آموز فارسی‌زبان ممکن است در معادل‌یابی برای حرف «از»، بین دو حرف «من» و «عن» دچار خطا شود. در اینجا می‌گوییم علت اشتباه وی تنها به خاطر وجود معادل ذهنی «از» نیست؛ زیرا خود گویشوران عربی نیز ممکن است این دو حرف را به جای یکدیگر به کار برند.

۳- بررسی تطبیقی «حروف جر» و «اضافه» در عربی و فارسی

۳-۱ «حروف جر» در زبان عربی

حرف در زبان عربی دو گونه است: مبنا و معنا. حروف مبنا بخشی از ساختار کلمه و حروف معنا حرفی هستند که تنها برای هماهنگی بافت جملات ظاهر می‌شوند مانند: حروف جر، استفهام، عطف و غیره. که خود به دو نوع عامل و عاطل (غیرعامل) تقسیم می‌شوند. حرف عامل حرفی است که در آخر کلمات تغییری اعرابی (آوایی) ایجاد می‌کند. در این تقسیم‌بندی حروف جر جزو حروف عامل هستند زیرا اسم بعد از خود را مجرور می‌سازند. (الغلابینی، ۱۹۹۳: ۳، ۲۵۳)

برخی نحوین حروف معانی را هفتادوسه حرف دانسته‌اند. برخی نیز بیشتر از این تعداد برشمرده‌اند تا جایی که شمار آن را نود و اندی به حساب آورده‌اند (المالکی، ۱۹۹۲: ۲۸). این حروف، به دلیل آن که معنای فعل پیش از خود را به اسم بعد از خود پیوند می‌دهند، «حروف جر» نامیده می‌شوند؛ همچنین گفته شده است چون اسامی بعد از آنها «مجرور» (کسره‌دار) و یا «مخفوض» می‌شوند، حروف «جر» یا «خفض» نام گرفته‌اند. البته این حروف را «اضافه» نیز نامیده‌اند چرا که معانی افعال پیش از خود را به اسامی بعد از خود می‌افزایند؛ توضیح آن که برخی افعال توان گرفتن مفعول‌به را ندارند اما با این حروف چنین قابلیت پیدا می‌کنند مانند: «عجبتُ من خالدٍ، ومررتُ بسعیدٍ». پس حذف حروف جر از این دو جمله و گفتن «عجبتُ خالداً و مررتُ سعیداً» جایز نیست؛ چرا که فعل لازم، ضعیف است و تنها با حروف اضافه، رسایی لازم را برای گرفتن مفعول‌به پیدا می‌کند. (الغلابینی، ۱۹۹۳: ۳، ۱۶۸)

به طور کلی بسیاری از روابط ترکیب در زبان با حرف جر مشخص می‌شود. این حروف بر همبستگی فعل با اسم و وابستگی بین مشتقات و معمول‌های آن تأثیر می‌گذارد؛ به طوری که در بیشتر این حالات، حرف جر به توضیح رابطه فاعلی، مفعولی، مکانی، زمانی، ابزاری می‌پردازد؛ مانند: وقع الكتاب من محمد (فاعلی)؛ أخذت الكتاب من علی (مفعولی)؛ جلست علی البساط (مکانی)؛ وصلت فی ساعة فلان (زمانی) و کتبت بالقلم و فتحت بالمفتاح (ابزاری). (الخولی، ۱۴۰۲: ۲۳)

برخی حروف جر با افعال و اسماء مشترک هستند. حروفی که فقط به شکل حرف به کار رفته‌اند به دو نوع تقسیم می‌شوند: دسته‌ای که ملازم عمل جر هستند (مانند: من، إلی، فی، باء و لام) و دسته‌ای که ملازم حرف جر نیستند؛ مانند: (ابن السراج، بیتا: ۱، ۴۰۸)

در اینجا لازم است به معانی حروف جرّی که زبان‌آموزان در این پژوهش بیشترین خطا را در به‌کارگیری آنها داشته‌اند، اشاره کنیم؛ این حروف عبارتند از: من، باء، إلی، علی، فی، عن.

معنای اصلی «من» عبارت است از: تبعیض (معنای بعض)، ابتدای غایت مکانی و زمانی. بیان جنس، تأکید، بدل، ظرفیت (معنای فی)، سببیت، و معنای عن. (الغلابینی، ۱۹۹۳: ۳، ۱۷۱)

معنای إلی «غایت» است (سرتُّ إلی البصره: به سمت بصره حرکت کردم) و معنای لام، استحقاق و مالکیت: (المال لزيد: مال متعلق به زید است). (همان: ۱۷۶)

حرف «عن» شش معنا دارد که معنای اصلی آن «مجاوزت» (عبور کردن/گذشتن) است. (سرتُّ عن البلد: از کشور گذشتم)، (رَغِبْتُ عن الأمر: از موضوع یا کار روی گردانیدم). به طور کلی، معادل فارسی «عن» حرف «از» است که در دو جمله فوق نیز مشاهده می‌شود. اما به معنای دیگر همچون «بعد»، «علی»، تعلیل، حرف «من» و معنای بدل نیز هست.

عَلَى هشت معنا دارد که عبارتند از: استعلاء، فی، عن، لام تعلیل، مع، من، باء، و استدراك. (همان، ۱۷۷-۱۸۰)

حرف «فی» هفت معنا دارد: ظرفیت (حقیقی و مجازی)، مقایسه، سببیه، تعلیل، استعلاء، معنای «مع»، و معنای الصاق (الغلابینی، ۱۹۹۳: ۳، ۱۸۳) که معنی اصلی آن همان ظرفیت است.

حرف «لام» علاوه بر مالکیت، چهارده معنای دیگر دارد: اختصاص، شبه مالکیت (لام نسبت)، تبیین (مبینه)، سببیت، تاکید، تقویت، انتهای غایت (معنای الی)، استغاثه، تعجب (لام مفتوح)، صیروت، استعلاء (حقیقی و مجازی)، وقت و تاریخ، معنای مع و معنای فی. (همان، ۱۸۶-۱۸۴)

حرف «باء» سیزده معنا دارد که اصلی ترین آنها «الصاق» (چسباندن) است و این معنا در تمامی معانی «باء» با آن همراه است. دیگر معانی آن عبارتند از: قسم، عوض (مقابله)، بدل، ظرفیه، مصاحبت، تعدیه، استعانت، سببیه، تبعیضیه، معنای عن، استعلاء و تاکید. (همان، ۱۶۸-۱۷۰)

گفتنی است، معیار ارزیابی خطاهای حروف جر در این جستار، استعمال امروز عرب است که برای مستند کردن آن عموماً به کتب لغوی مخصوصاً معجم اللغة العربیه المعاصره (عمر، احمد: ۲۰۰۸) استناد شده است که حاصل مصوبات فرهنگستان زبان عربی در قاهره می باشد.

۳-۲ «حروف اضافه» در زبان فارسی

در خصوص نام حروف اضافه در زبان فارسی اختلاف نظرهایی میان زبانشناسان ایران وجود دارد که در کتاب **دستور جامع زبان فارسی** رگه‌هایی از آن دیده می‌شود؛ البته در این کتاب نام «حروف پیشین» به جای حروف اضافه آمده است (همایونفرخ، ۱۳۶۴: ۶۸۹) اما عموماً به نام حروف اضافه در کتب دستور زبان فارسی مطرح هستند.

طبق تعریف انوری، حروف اضافه واژه‌هایی هستند که معمولاً واژه یا گروهی را به فعل جمله نسبت می‌دهند و آن را بدان وابسته می‌سازند و به آنها نقش متممی می‌بخشند (۱۳۹۰: ۷۶). خیام‌پور حروف اضافه را حرفی دانسته که اسمی را به فعل یا شبه فعلی نسبت می‌دهند؛ اسم در این حالت برای فعل یا شبه فعل مفعول غیرصریح (یا مفعول بی‌واسطه) است و فعل و شبه فعل، عام آن (عامل به واسطه حرف اضافه) مثل: «پرویز از تبریز رفت»؛ که «از» حرف اضافه و «تبریز» برای فعل رفت مفعول غیرصریح است. (۱۳۴۴: ۹۹)

حرف‌ها در زبان فارسی به سه دسته تقسیم می‌شوند: ربط، اضافه و نشانه (انوری، ۱۳۹۰: ۷۲) طبق یک دسته‌بندی دیگر، حروف اضافه به ساده و مرکب تقسیم می‌شوند. حرف‌های

اضافه ساده از یک واژه ساخته شده‌اند مانند؛ از، الی، الا، با، بر، برای، تا، جز، چون، در، غیر. و حرف‌های اضافه مرکب: از برای، به مجرد و غیره (همان: ۷۷)

گفتنی است زبان فارسی به دلیل نداشتن مبحث اعراب و حرکت‌گذاری آخر کلمات بر اساس نقش آنها، برخلاف زبان عربی، حرف اضافه در آن موضوعیت ندارد و طبق گفته همایونفرخ، نام‌هایی مانند «جر» و «خفض» که ریشه در این مبحث دارد، در مورد این حروف جایی ندارد و تنها نام این حروف، حروف اضافه است. (همایونفرخ: ۱۳۶۴: ۶۸۸)

البته حروفی مانند (زیر، روی، جلو، عقب) که هنگام اتصال به اسم، آخر آنها مکسور می‌شود و به پیروی از دستور زبان‌های اروپایی جزو حروف اضافه شمرده شده‌اند، از حروف اضافه نیستند، بلکه اسم‌هایی هستند که اغلب اضافه می‌شوند و مانند سایر اسم‌ها حالت‌های مختلف (فاعلی، مفعولی، مسندی و مسندالیهی) پیدا می‌کنند. (خیام‌پور: ۱۳۴۴: ۱۰۱)

حروف اضافه مشهور فارسی عبارتند از: ب به، با، از، بر، تا، در، را، اندر، نزد، نزدیک، بیش، برای، بهر، روی، زیر، سوی، میان، پی و غیره. برخی از این حروف، معانی گوناگونی دارند که مشهورترین آنها از این قرار است: به، از، با، بر، در؛ که به تناسب خطاهای زبان‌آموزان در این تحقیق، به معانی و کاربرد برخی از این حروف اشاره می‌کنیم:

معانی «به»: ظرفیت، سوگند، تشبیه، مصاحبت، سببیت، یاری و استعانت، بیان نوع، سوی و طرف (مشکور، ۱۳۴۹: ۱۳۰). طبق تعریف مشکور، «ب» همان «به» است که هرگاه نخواهند آن را به کلمه بعد متصل کنند، به صورت «به» می‌نویسند. (همان)

معانی «از»: برای شروع و آغاز، برای بیان علت، برای بیان جنس، به معنی اثر نوشته، همراه صفت برتر (انوری، ۱۳۹۰: ۷۷)

معانی «با»: همراهی و مصاحبت، استعانت و مقابله؛

معانی «بر»: بلندی و استعلا و وجوب و التزام.

معانی «در»: ظرفیت، سوی و طرف، نزدیکی و مصاحبت و کثرت. (مشکور، ۱۳۴۹: ۱۳۹)

۴. تحلیل خطاها

در این بخش، خطاها براساس منشأ بروز سه‌گانه، در جداول ذکر شده‌است. خطاهای هر جدول براساس سه مقوله کلی (جابه‌جایی، کاربرد زائد و حذف) تفکیک شده‌اند و بعد از هر جدول نمونه‌هایی از خطاها تحلیل و بررسی شده‌است.

۴-۱ خطاهای بینا‌زبانی

خطاهای بینا‌زبانی در پی تداخل زبان اول ایجاد می‌شود که به آن انتقال منفی نیز می‌گویند (نائینی و ابرقویی، ۱۳۹۲: ۶) که در آن قواعد زبان فارسی، به‌عنوان زبان مادری زبان آموزان، به نگارش عربی آنها انتقال می‌یابد.

جدول ۱- خطاهای بینا‌زبانی

ردیف	جمله نادرست	تصحیح خطا	معادل فارسی	توصیف خطا	تعداد
۱ ب ب ب ب ب	یحسد به	یحسده (یحسد علیه)	به او حسادت می‌کند	استفاده از حرف باء به جای علی	۲
	لیشکو بمحضر	لیشکو الی قاض	باید به یک قاضی شکایت کند	استفاده از حرف باء به جای الی	۱
	إسمع بکلام الطیب	إستمع (أصغ) الی	به حرف دکتر گوش کن	استفاده از باء به جای الی	۱
	أفکر ب	أفکر فی	به... فکر می‌کنم	استفاده از باء به جای فی	۲
	تنتمی ب	تنتمی الی	به... مربوط می‌شود	به‌کارگیری حرف باء به جای الی	۱
	تضاف (تضیف) ب....	تضاف (تضیف) الی	به... اضافه نمی‌شود	به‌کارگیری باء به جای الی	۲
ک ا ب ب ب ب ب	ودّع مع أصدقائه	ودّع أصدقائه	با دوستانش خداحافظی کرد	افزودن مع به فعل متعدی	۴
	من خوف أیها	خوفا من أیها	از ترس پدرش	استفاده نابه‌جا از حرف من	۸
	ینالوا ب	ینالوا	به ... دست یابند	به‌کارگیری زائد حرف باء	۲
	عین برئاسة مدرسة	عین مدیرا للمدرسة	مدیر مدرسه شد	استفاده نابه‌جا از حرف باء	۱
	لتقديراً من خدماته	تقديراً من	به پاس خدماتش	آوردن لام جر بر سر مفعول‌له منصوب	۱
	نحرس من	نحرس	مراقبت می‌کنیم	استفاده زائد من جاره	۱
	يقدر (قادر) أن	يقدر (قادر) علی	نمی‌تواند (آن را) انجام دهد	حذف حرف علی بعد از فعل «قدر»	۶
ب ب ب ب	ذهب الی النادی	ذهب الی	رفتم (به) باشگاه	حذف حرف مخصوص فعل	۱
	أن يعود الأوقات	أن يعود بالأوقات	زمان را بازگرداند	حذف حرف باء و متعدی نشدن فعل	۱
	أبحث ورشة	أبحث عن ورشة	دنبال تعمیرگاه می‌گشتم	حذف حرف عن	۴
	مجموع انواع خطاها: ۱۶				فراوانی خطاها

۴-۱-۱ خطای جابه‌جایی

از خطاهای جابه‌جایی، کاربرد حرف باء به جای فی در دو جمله «یفکر بالنجاح» و «أفکر بحیة بعدالموت» است چرا که همراه فعل «فکر» حرف اضافه مخصوص «فی» به کار می‌رود (الخولی، ۱۴۰۲: ۳۹۷). خطای زبان‌آموز در استفاده از حرف اضافه باء به جای فی، ناشی از تأثیرپذیری وی از کاربرد حرف باء در زبان مادری‌اش است. ترجمه دو جمله مذکور به فارسی، گویای این امر است: «به این موفقیت فکر می‌کند»؛ «به زندگی پس از مرگ فکر می‌کنم». خطا در کاربرد حرف اضافه در دو جمله «کی ینالوا بهذه الأهداف» (تا به این اهداف دست یابند) و «نحصل بالفرح» (به شادی دست می‌یابیم) نیز پیامد تأثیرپذیری از زبان فارسی است چراکه در عربی فعل «نال» بدون حرف اضافه استفاده می‌شود؛ «نال جایزه: حصل علیها» (عمر، ۲۰۰۸: ۳/۲۳۰۷). در اینجا نیز زبان‌آموز تحت تأثیر زبان فارسی، باء را اضافه کرده است. فعل «حصل» نیز اگر در معنای به دست آوردن به کار رود، با حرف اضافه «علی» می‌آید (همان: ۱/۵۰۸) اما زبان‌آموز تحت تأثیر ترجمه فارسی آن (به شادی دست می‌یابیم یا می‌رسیم) به خطا رفته است.

خطای دیگر در جمله «نحرس من روحنا» (از جان یا روح خود محافظت می‌کنیم) است. فعل «حرس - یحرس» بدون حرف اضافه به کار می‌رود و مفعول مستقیم می‌گیرد (همان: ۱/۴۷۱). با توجه به ترجمه عبارت، معلوم می‌شود که زبان‌آموز، متأثر از زبان مادری خود، حرف «من»، معادل «از» در زبان فارسی، را اضافه کرده است.

۴-۱-۲ خطای حذف

حذف حرف جر در زبان عربی شروطی دارد از جمله اینکه طبق قاعده و قیاس باشد و ابهامی در جمله ایجاد نکند. مانند «عجبت أن یفوز مهمل»؛ که حرف من قبل از آن حذف شده و ابهامی ایجاد نکرده است اما در جملاتی مانند «رغبت أن تذهب» حذف من به عقیده بسیاری از علما جایز نیست؛ چون فعل رغبت با «عن» و «فی» به کار می‌رود و دو معنای متضاد می‌دهد؛ البته در خصوص آیه شریفه «وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ» که حرف جر بعد از ترغیبون حذف شده، دو توجیه آمده که در اینجا مجال پرداختن به آن نیست. (البعمی، ۲۰۰۲: ۲۷۳-۲۷۴)

در تحقیق حاضر، شاخص اصلی ما در خصوص جواز حذف، استعمال امروز عرب و کتب معاصر است که در ارجاعات خواهد آمد. این نکته را نیز باید افزود که سطح زبان آموزان مورد تحقیق، به گونه‌ای نیست که آگاهانه و بنا بر غرضی بلاغی حرف جر را حذف کرده باشد.

نمونه این خطاها، شش بار در حذف حرف «علی» رخ داده که شاهد آن در جمله «یقدر أن یؤدی الأمور المهمة» (می‌تواند کارهای مهم را انجام دهد) قابل مشاهده است که با توجه به ترجمه آن معلوم می‌شود زبان آموز به تأثر از زبان فارسی حرف جر «علی» را حذف کرده است چرا که معادل این فعل در زبان فارسی (از ریشه توانستن) بدون حرف اضافه به کار می‌رود اما در زبان عربی فعل «قدر» همیشه با حرف اضافه «علی» همراه است (عمر، ۲۰۰۸: ۳/۱۷۸۰). این فعل در قرآن کریم نیز همواره با حرف «علی» آمده است.

۴-۱-۳ خطای کاربرد نابه‌جا یا زائد

از خطاهای پربسامد در جدول بالا استفاده نابه‌جا از حرف جر «من» در ترجمه جمله «از ترس پدرش» است. با اینکه این جمله از امتحان ترجمه بوده و از زبان آموز خواسته شده است که از ساختار «مفعول له» استفاده کند اما زبان آموز باز هم تحت تأثیر ترجمه فارسی عبارت، جمله نادرست «من خوف أیها» را نوشته درحالی که طبق ساختار زبان عربی، «خوفاً من أیها» درست است. در واقع حرف من در اینجا متعلق به خوفاً است و باید بعد از آن بیاید نه پیش از آن.

۴-۲ خطاهای درون‌زبانی^۲

خطاهایی که در اثر تعمیم^۳ و تعمیم افراطی^۴ قواعد مقصد ایجاد می‌شود، درون‌زبانی نام دارند. (نائینی و ابرقوئی، ۱۳۹۲: ۶)

با نگاهی به معادل فارسی جملات خطا در جدول زیر، معلوم می‌شود که زبان آموزان ساختار زبان عربی را در ترجمه خود تعمیم داده‌اند. زبان آموز در ساختن عبارات و جملات برخی از حروف را به اشتباه به جای حروف دیگر به کار برده است که با بررسی معادل فارسی این عبارات معلوم می‌شود دلیل این خطاها تداخل بین‌زبانی نیست بلکه درون‌زبانی است.

جدول ۲- خطاهای درون‌زبانی

شماره فراوانی	توصیف خطا	معادل فارسی	تصحیح خطا	جمله خطا	شماره فراوانی
۱	به‌کارگیری لام به‌جای عن	دنبال تعمیرگاه می‌گشتم	بخت عن	بخت لورشه	۱۰ ۱۰ ۱۰ ۱۰ ۱۰ ۱۰ ۱۰ ۱۰ ۱۰ ۱۰
۱	به‌کارگیری عن به‌جای علی	می‌تواند	قادر علی	قادر عن	
۱	به‌کارگیری به‌جای الی	به... می‌رسد	یصل الی	یصل علی	
۱	به‌کارگیری لام به‌جای علی (یا استفاده از لام زائد)	به او حسادت می‌کنی	تحسد علیه (تحسده)	تحسد له	
۱	استعمال لام به‌جای من	به او حسادت می‌کنی	غیور منه	أنت غیور له	
۱	آوردن لام به‌جای من	از ترس پدرش	خوفا من أبیها	خوفا لآبیه	
۱	استفاده از لام به‌جای مع	همراه با طبقات زیبا	مع طوابق جمیله	لطبقات جمیله	
۱	آوردن لام جاره به‌جای الی	به حرف دکتر گوش کن	اصغ الی الطیب	أصغ لتکلم الطیب	
۱	به‌کارگیری حرف لام به‌جای الی	به ۱۵۰ سال (پیش) برمی‌گردد	یرجع الی مئة و خمسین عاما	یرجع لمئة و خمسین عاما	
۱	آوردن من جاره به‌جای باء	فریب رنگش را نخور	لا تتخدع بلونه	لا تتخدع من لونه	
۱	به‌کارگیری حرف من به‌جای الی	به ۱۵۰ سال پیش برمی‌گردد	یعود الی مئة و خمسین	عاد من مئة و خمسین	
۱	حذف حرف باء	به کارها مشغول می‌شوم	اشتغل بالاعمال	أشتغل الأعمال	۸ ۸ ۸
۲	حذف حرف الی	به حرف پزشک گوش کن	أصغ الی...	أصغ کلام الطیب	
۱	حذف حرف باء	توجه کنیم به	نحتفل بـ	نحتفل اوقاتنا	
۱۵	مجموع فراوانی خطاها		مجموع انواع خطاها: ۱۴		

۴-۲-۱ خطای جابه‌جایی

در تحلیل خطای حرف جر در جمله «هل أنت غیور له» که ترجمه جمله «آیا به او حسادت می‌کنی؟» بوده‌است، باید گفت که فعل «غار یغیر» که غیور (صفت مشابه) نیز از آن گرفته شده‌است، اگر به معنای تعصب و غیرت به‌کار رود با حرف «علی» می‌آید و اگر به معنای ناراحت شدن از نعمت‌های دیگران یا همان حسادت باشد، با «من» (عمر، ۲۰۰۸: ۱۶۵۴/۲) که در اینجا، با توجه به جمله فارسی، باید با «من» می‌آمد.

همچنین است استفاده از «لام» جر بعد از فعل تحسد در جدول بالا. توضیح آنکه «حَسَد» با حرف جر «علی» و یا مفعول مستقیم می آید (همان: ۱ / ۴۹۲)؛ بنابراین جمله «هل تحسد له» نادرست است. زبان آموز در اینجا دچار تعمیم بیش از حد در استفاده از حرف لام شده است؛ گویی برای گرفتار نشدن در دام تداخل چنین عمل کرده است چرا که طبق معادل فارسی آن (آیا به او حسادت می کنی؟) ممکن بود از حرف باء استفاده کند و بنویسد: «هل تحسد به؟ یا هل أنت حاسد به؟»

در جمله «يجب أن يصل علی النجاج» (باید به موفقیت برسد)؛ به جای حرف اضافه «إلی» از «علی» استفاده شده حال آن که «إلی» حرف جر مخصوص فعل «وصل» است؛ گرچه مفعول مستقیم نیز می گیرد (عمر، ۲۰۰۸: ۱/۷۹۴). در اینجا نیز با توجه به معادل فارسی این جمله، به نظر می رسد که زبان آموز به خاطر عدم تسلط بر قاعده و نیز برای گریختن از فارسی نویسی (می رسد به)، حرف اضافه «علی» را که مخصوص زبان عربی است، به فعل وصل نیز تعمیم داده است. در تصحیح جمله «أصغی لِكلام الطیب» نیز باید گفت که: «صغی إلی» و «أصغی إلی» به معنای الاستماع إلی (گوش کردن به) و با همین حرف جر (إلی) به کار می رود (عمر، ۲۰۰۸: ۱/۱۲۹۹)؛ و الخولی، ۱۴۰۲هـ / ۳۹۲ و زبان آموز با آگاهی سطحی از تفاوت های حروف جر و اضافه در زبان عربی و فارسی، سعی کرده در دام شباهت های ظاهری آنها نیفتد و همین امر او را به اشتباه انداخته است.

۴-۳ خطاهای مبهم^۵

برخی خطاها که هم در فراگیری زبان اول و هم در فراگیری زبان دوم مشاهده می شود، خطای مبهم گفته می شوند (نائینی و ابرقوئی، ۱۳۹۲: ۷) به عبارت دیگر هم ناشی از تداخل درون زبانی و هم ناشی از تداخل بینا زبانی هستند.

جدول ۳- خطاهای مبهم

ردیف	جمله نادرست	تصحیح خطا	معادل فارسی	توصیف خطا	تعداد
۱	الرياضة يفيد إلى البدن	تفيد البدن	به بدن سودن می‌رساند	استفاده از إلی بعد از فعل متعدی	۱
	يتناول إلى الرياضة	يتناول الرياضة	به ورزش می‌پردازد	همان	۱
۲	لا تتخدع لونه	لا تتخدع بلونه	فربین رنگش را نخور	حذف حرف باء	۷
	تساعد الناس إلى...	تساعد الناس على/في...	در... به مردم کمک می‌کند	استفاده از إلی به جای علی یا فی	۱
۳	يختلف من	يختلف عن	با... تفاوت دارد	استفاده از من به جای عن	۱
	نخلص نفسنا عن	نخلص أنفسنا... من	خود را از...رها می‌سازیم	استفاده از عن به جای من	۱
۴	مجموع انواع خطاها: ۶				۱۲
فراوانی خطاها					

۴-۳-۱ خطای کاربرد زائد

به نظر می‌رسد خطای زبان‌آموزان در دو جمله «الرياضة يفيد إلى البدن» و «خير للإنسان أن يتناول إلى الرياضة» از تأثیرپذیری آنان از حرف اضافه «به» در زبان فارسی نشأت می‌گیرد؛ چرا که در «إلی» معنای «به سوی» نهفته است. زبان‌آموز گرچه حرف جر «باء» را انتخاب نکرده است (خطای تداخل بین‌زبانی) اما ناخودگانه حرف «إلی» را، به صرف عربی بودن، به کار برده و سبب این خطا نیز تأثیرپذیری از زبان فارسی بوده است چرا که یکی از معادل‌های حرف «إلی» در زبان فارسی، حرف «به» است (مثال: ذهب إلى البيت: به خانه رفتم، إنتهى إلى...: منجر شد به، إرتقى إلى: رسید به و غیره).

گفتنی است، «تناول يتناول» اگر به معنای پرداختن به چیزی باشد، بدون حرف اضافه است: «تناول الكتاب موضوعاً هاماً» (عمر، ۲۰۰۸: ۲۳۰۸/۳). فعل «أفاد يفيد» نیز بدون حرف اضافه «به» به کار می‌رود. (همان: ۱۷۵۸/۳)

۴-۳-۲ خطای حذف

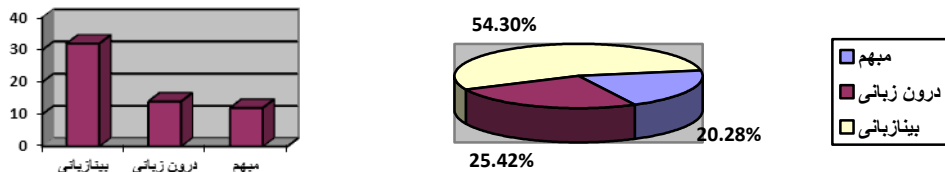
درباره جمله «لاتتخذع لونه» (فریب رنگش را نخور!) که خطای حذف حرف جر، هفت بار تکرار شده است باید گفت: فعل «انخذع» با حرف «باء» و «فی» متعدی می‌شود و اگر بدون حرف اضافه به کار رود، معنای «کساد» می‌دهد مانند: انخذعتِ الشوقُ: کسدت (همان: ۱ / ۶۱۹). در زبان فارسی این فعل بدون حرف اضافه به کار می‌رود. زبان آموز تحت تأثیر زبان فارسی و نیز به سبب دشواری تشخیص حرف اضافه مخصوص فعل «انخذع» و یا به سبب آن که ثلاثی مجرد این فعل (خَدَع) بدون حرف اضافه به کار می‌رود (خَدَعَهُ: فریب داد او را)، این گونه عمل کرده است.

۴-۳-۳ خطای جابه‌جایی

در مبحث خطاهای کاربرد زائد، به یکی از سه نوع خطای جابه‌جایی (تُسَاعَدُ النَّاسَ إِلَى) اشاره شد. در اینجا به خطای کاربرد حرف «إلی» بعد از فعل «یختلف» در جمله «یختلف مزاج الشباب من الآخرين» اشاره می‌کنیم:

فعل «اختلف» بسته به سیاق جمله با حروف «إلی، علی، عن و فی» به کار می‌رود. (همان: ۱ / ۶۸۳) در این جمله می‌بایست از «عن» استفاده می‌شد. از آنجا که عرب نیز در این مورد گاهی به اشتباه می‌افتد و «عن» را به جای «من» به کار می‌برد، بنابراین می‌توان گفت که زبان آموز علاوه بر آن که متأثر از زبان فارسی بوده، به سبب دشواری قاعده در زبان مقصد (عربی) چنین عمل کرده است.

نمودار فراوانی و درصد کل خطاها



۵. نتیجه‌گیری

به‌طورکلی ۵۹ خطای تکراری و غیرتکراری شناسایی شد. در دسته‌بندی سه‌گانه انواع خطاها (کاربرد زائد، جابه‌جایی و حذف) بدون احتساب خطاهای تکراری، مجموعاً ۳۶ خطا رخ داده که بیشترین خطاها مربوط به خطای جابه‌جایی است (۲۰ خطا)، و خطاهای کاربرد زائد (یا نابه‌جا) و حذف، هریک، ۸ خطا را شامل می‌شوند.

بیشترین خطاهای زبان‌آموزان از حیث منشأ بروز به ترتیب مربوط به بین‌زبانی (۳۲ خطا)، درون‌زبانی (۱۵ خطا) و مبهم (۱۲ خطا) است که به ترتیب ۵۴٫۳٪، ۲۵٫۴۲٪، ۲۰٫۲۸٪ خطاهای مبهم هستند. البته از حیث انواع خطاها (منهای خطاهای تکراری) دو منشأ بین‌زبانی و درون‌زبانی نزدیک به هم هستند؛ بین‌زبانی: ۶ نوع؛ درون‌زبانی: ۴ نوع؛ و مبهم: ۶ نوع.

بیشترین خطاهای بین‌زبانی استفاده نادرست از حرف «باء» بود. این حرف که در هر دو زبان فارسی و عربی وجود دارد، ۹ بار به‌جای حروف دیگر (الی، فی و علی) به‌کار رفته‌است. و از میان خطاهای بین‌زبانی نیز بیشترین خطاها مربوط به به‌کارگیری حرف باء به‌جای دیگر حروف جر (الی، علی و فی) است که این اتفاق نیز نشان می‌دهد که حرف باء در معادل‌سازی‌های نادرست بین حروف جر و اضافه در عربی و فارسی، نقش زیادی دارد.

در خطاهای درون‌زبانی نیز شایع‌ترین خطاها استفاده از «لام جاره» به‌جای حروف دیگر بوده‌است؛ ۲ بار به‌جای الی، ۲ بار به‌جای من، و ۲ بار به‌جای علی و غیره. که این امر نیز نشان می‌دهد که زبان آموز به‌دلیل تشخیص ناقص در کاربرد حروف مخصوص زبان عربی، دچار این اشتباه شده‌است.

فرونی خطاهای بین‌زبانی نشانه آن است که دانشجویان ایرانی رشته زبان و ادبیات عرب تا حد زیادی تحت تأثیر زبان فارسی هستند و در نگارش یا انشای عربی، فارسی فکر می‌کنند و عربی می‌نویسند. یکی از دلایل این امر بی‌توجهی به یادگیری زبان عربی در سنین کودکی و نوجوانی برخلاف زبان انگلیسی است؛ زیرا به نظر زبان‌شناسان اگر یادگیری زبان دوم در سنین بالاتر آغاز شود، احتمال تداخل بین‌زبانی افزایش می‌رود.

برای رفع این مشکل، بیش از آن که به نوسازی شیوه‌های تدریس بیندیشیم باید به مسائل زیرساختی توجه کنیم که به برخی از این موارد اشاره می‌شود:

- توجه بیشتر به جایگاه زبان عربی به عنوان یک زبان خارجی که تنها منحصر به کتب دینی و حوزه علمیه و یک ماده درسی اجباری در دوره راهنمایی و دبیرستان نباشد. بدین منظور باید در مدارس و دانشگاه‌ها و رسانه‌ها ذهنیت‌سازی شود. البته زبان خارجی نه به معنای زبانی بیگانه که سنخیتی با زبان فارسی و فرهنگ ملی و دینی ایران ندارد بلکه به عنوان زبان مشترک حدود ۵۰ کشور اسلامی و یکی از زبان‌های رسمی سازمان ملل که در حوزه‌های غیر دینی مانند حوزه علوم سیاسی، مسائل منطقه و روابط بین‌الملل، حقوق بین‌الملل و... نیز کاربرد دارد. مسأله دیگر اهتمام متولیان امر آموزش زبان عربی به تشویق عربی‌آموزان و ایجاد انگیزه برای تداوم مسیر است. یکی از دلایل بی‌رغبتی دانشجویان زبان عربی آینده شغلی مبهم این رشته است که اصلاح این امر نیز نیازمند توجه مسئولان ذیربط به ارائه چشم‌انداز و چارچوب‌های لازم در این خصوص است.

- آسان‌سازی قواعد دشوار عربی در کتب دوره راهنمایی و دبیرستان و تداوم به‌روزرسانی محتوای کتب عربی در دوره‌های راهنمایی و دبیرستان و از همه مهم‌تر اهتمام به آموزش عربی در دوره ابتدایی متناسب با توان ذهنی دانش‌آموزان.

- محدودسازی جذب دانشجو در دوره کارشناسی زبان و ادبیات عربی و تحصیلات تکمیلی؛ که این امر فرصت‌های شغلی بیشتری را برای علاقه‌مندان واقعی این رشته فراهم می‌کند و مانع آن می‌شود که برخی از رتبه‌های پایین کنکور صرفاً برای کسب مدرک وارد این رشته شوند. همین آزمون حروف جر در پژوهش حاضر، میزان شکاف علمی قابل توجه بین دانشجویان سطح بالا و سطوح پایین‌تر را نشان می‌دهد که مؤید ادعای ماست.

- از حیث شیوه‌های آموزش نیز تاکنون پیشنهادهای مطرح شده است اما به نظر می‌رسد توجه به زبان‌شناسی کاربردی و مقابله‌ای و تشریح تفاوت‌های زبانشناختی بین فارسی و عربی هم مباحث را برای زبان‌آموز جذاب می‌کند و هم به زبان‌آموزان کمک می‌کند تا نسبت به تفاوت‌ها و شباهت‌های ظاهری بین دو زبان هشیار باشند.

پی‌نوشت‌ها:

1. interlingual
2. interalingua
3. generalization
4. over generalization
5. ambiguous errors

منابع

منابع فارسی

- انوری، حسن. (۱۳۹۰). دستور زبان فارسی؛ به کوشش محمدرضا زادهوش. تهیه کننده: جلیل مسعودی فرد. چاپ اول. اصفهان: سایت بیشه. باشگاه مجاز ادبیات و کتابخوانی.
- خیام پور، عباس (۱۳۴۴). دستور زبان فارسی؛ تبریز: کتابفروشی تهران. چاپ شفق.
- شکور، محمدجواد (۱۳۵۰). دستورنامه در صرف و نحو زبان فارسی؛ چاپ هفتم. تهران: انتشارات مؤسسه مطبوعاتی شرق.
- همایونفرخ، عبدالرحیم. (۱۳۶۴). دستور جامع زبان پارسی؛ به کوشش رکن الدین همایونفرخ. مؤسسه علمی.
- متولیان نائینی، رضوان؛ ابرقویی، عباس (۱۳۹۲). «خطاهای نحوی عرب‌زبانان در یادگیری زبان فارسی به‌عنوان زبان دوم سال دوم شماره‌ی دوم». پژوهش نامه آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان.
- متولیان نائینی، رضوان؛ ملکیان، رسول. (۱۳۹۳). «تحلیل خطاهای نحوی فارسی‌آموزان اردوزبان». پژوهش نامه آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان، علمی پژوهشی، سال سوم، شماره اول (پیاپی ۶).

منابع عربی

- ابن السراج، محمد (د.ت). الأصول فی النحو؛ المحقق: عبد الحسین الفتلی، بیروت: مؤسسه الرساله، عدد الأجزاء: ۳.
- الخولی، محمد. (۱۴۰۲). اخطاء حروف جر؛ ریاض: دارالعلوم.
- الراجحی‌عبد. (۱۹۹۵). علم اللغة التطبیقی وتعلیم العربیه؛ جامعه الإسکندریه: دارالمعرفه الجامعیه.
- السامرائی، فاضل صالح. (۲۰۰۰م). معانی النحو؛ الجزء الثالث. اردن: دارالفکر.
- طعیمة، رشدي. (۲۰۰۴م). المهارات اللغویه مستویاتها تدریسها صعوباتها؛ القاهره: دارالفکر العربی.
- عمر، احمد. (۲۰۰۸). معجم اللغة العربیه المعاصره؛ ط ۱. القاهره: عالم الکتب. عدد الأجزاء: ۴.

- عید، محمد. [د.ت]. النحو المصفی؛ بی‌نا: مکتبه الشباب. عدد الأجزاء: ١
- الغلابینی، مصطفی (١٩٩٣). جامع الدروس العربیه؛ الطبعة الثامنة والعشرون. بیروت: المکتبه العصریه.
- المالکی، بدرالدین (١٩٩٢). الجنی الدانی فی حروف المعانی؛ ط ١. المحقق: د فخر الدین قباوة، محمد ندیم فاضل. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- البعیمی، إبراهیم (٢٠٠٢م). «المنصوب علی نزع الخافض فی القرآن». العدد ١١٦، السنه ٣٤، ١٤٢٢هـ. الجامعه الإسلامیه بالمدينه المنوره.
- جاسم، جاسم (د.ت). «نظریه تحلیل الأخطاء فی التراث العربی». السعودیه: الجامعه الإسلامیه. مجله مجمع اللغه العربیه الأردنی، ع ٧ (ص ١٥١-٢١٠).
- جماعة من اساتذة جامعة أم القرى. (د.ت). «الاطء اللغویه التعبیریة لطلاب المستوى المتقدم فی معهد اللغه العربیه بجامعة أم القرى». مکه المکرمه: وزارة التعليم العالی، معهد اللغه العربیه لغير ناطقین بها.
- العجرمی، منی و حسنی بیدس، هالة. (٢٠١٥). «تحلیل الأخطاء اللغویه لدارسی اللغه العربیه للمستوى الرابع من الطلبة الكوریین فی مركز اللغات». الجامعة الأردنیة. دراسات العلوم الإنسانیة والإجتماعیة، المجلد ٤٢، ملحق ١.
- العطیه، احمد مطر (٢٠٠٨). «حروف الجر بین النیابه والتضمین». مجله التراث العربی. السنه الثامنہ والعشرون. دمشق.
- گنجی، نرگس؛ جلابی، مریم (١٣٩٠). «الأسباب الكامنة وراء قصص الكفاءة اللغویه لطلاب الجامعات الإيرانية فی كتاباتهم بالعربیة». مجلة الجمعية العلمیه للغة العربیه وآدابها، فصلیة محكمة، العدد ١٩، صص ٧٥-١٠٠.
- البسیونی، عبدالله (٢٠١٣). بعض السمات والخصائص السیاقیة لحروف الجر. الباحث: احمد مرافا. جامعہ المدینہ العالمیہ.
- جلابی پیکانی. م (١٣٨٧). دراسه الأخطاء التعبیریة التحریریة عند طلاب العربیه من الناطقین بالفارسیة. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان.

- ابومغنم. جمیلہ عابد(۲۰۱۲). تحلیل الأخطاء الصرفية لدى الناطقين بغيرالعربية في ضوء علم اللغة التطبيقي. رسالة ماجستير غيرمنشورة. كلية الدراسات العليا للجامعة الأردنية.

فصلنامه لسان مبین (پژوهش ادب عربی)

(علمی - پژوهشی)

سال نهم، دوره جدید، شماره بیست و نهم، پاییز ۱۳۹۶

تحليل أخطاء الحروف الجارة في كتابات طلاب اللغة العربية الفرس*

على پاي، طالب الدكتوراه في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة اصفهان

محمد خاقاني اصفهاني، أستاذ في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة اصفهان

الملخص

نظرا لما يحملها تعليم اللغة العربية من الأهمية في إيران، يقوم هذا البحث بدراسة أخطاء الحروف الجارة و تحليلها في الكتابة التعبيرية لدى طلاب اللغة العربية في إيران انطلاقا من نظرية تحليل الخطأ و اللسانيات التقابلية معتمدا على المنهج الوصفي التحليلي. تبين بعد تصنيف الأخطاء حسب مصادر الوقوع، أن أكثر الأخطاء شيوعا تتعلق بالتداخل اللغوي، تداخل العربية ثم تداخل اللغتين على التوالي. وأكثر الأخطاء الناشئة من التداخل اللغوي حدثت في استخدام حرف باء بدلا من (إلى و على و في)، الأمر الذي يدل على أن التماثل الظاهري بين حرف باء في اللغتين أدنى إلى وقوع هذه الأخطاء لدى المتعلمين. وأيضا أكثر الأخطاء في تداخل العربية تتعلق بتوظيف حروف الجارة الأخرى (خاصة إلى و على و من) بدلا من لام الجارة حيث يبين لنا أن سبب الخطأ هو عجز متعلم اللغة عن تمييز وظيفة الحروف الجارة الخاصة بالعربية تمييزا. كثرة الأخطاء الناجمة عن التداخل اللغوي تدل على أن الطلاب الإيرانيين في فرع اللغة العربية متأثرون باللغة الفارسية إلى حد كبير لدى استخدام حروف الجر؛ مما يعود من جهة إلى أنهم يفكرون بالفارسية فيكتبون بالعربية ومن جهة أخرى يرجع إلى أن تعليم اللغة العربية خلافا للغة الإنجليزية لا يحظى من إهتمام بالغ في السنين المبكرة - وكما يقول اللغويون - كلما يتم تعلم اللغة في السنوات المتأخرة من العمر، يترجح حدوث التداخل اللغوي. الدليل الآخر يمثل في أن العربية و الفارسية من الأسرة اللغوية المختلفة حيث العربية من أسرة اللغات السامية، والفارسية من الهندوأوربية كالإنجليزية.

الكلمات الدلالية: تحليل الخطأ، الحروف الجارة، اللسانيات التقابلية، تداخل، اللغة العربية.

* - تاريخ الوصول: ۱۳۹۶/۰۳/۲۵ تاريخ القبول: ۱۳۹۶/۰۸/۱۱

عنوان بريد الكاتب الاكتروني (الكاتب المسؤول): m.khaqani@fgn.ui.ac.ir